

---

## بررسی میزان مشارکت سیاسی شهروندان تهرانی با تأکید بر مؤلفه های سرمایه اجتماعی

---

محمدحسین اسلامی<sup>۱</sup>، جعفر رجبیلو<sup>۲</sup> و محسن داودخانی<sup>۳</sup>

### چکیده

امروزه صاحب نظران علم سیاست، مشارکت سیاسی را یکی از شاخصه های جامعه دموکراتیک مطرح می کنند. هر جامعه ای که ادعای دموکراتیک بودن را داشته باشد، اما نتواند مشارکت مردم را در اعمال حاکمیت از طریق نهادهای مدنی و تشکل های سیاسی فراهم کند، ادعای دموکراتیک بودن و حاکمیت مردم، حرف بی معنایی خواهد بود. از آنجا که برخورداری از سرمایه اجتماعی در جامعه امروز بالطبع بر ادامه حیات جامعه مدنی تأثیرگذار است. این پژوهش با هدف سنجش میزان مشارکت سیاسی شهروندان تهرانی و شناخت میزان تأثیرپذیری آن از مؤلفه های سرمایه اجتماعی انجام شده است. با انجام این پژوهش به این سؤال پاسخ خواهیم داد که: آیا میان میزان مشارکت سیاسی و پایگاه اقتصادی و اجتماعی شهروندان تهرانی رابطه وجود دارد؟

با بررسی مفاهیم و نظریات متغیر وابسته، مشارکت سیاسی و متغیر مستقل، سرمایه اجتماعی در نهایت مؤلفه های سرمایه اجتماعی شامل اعتماد اجتماعی، پایگاه اجتماعی، اقتصادی، پیوندهای اجتماعی رسمی، پیوندهای اجتماعی غیررسمی، مشارکت مذهبی، تنوع معاشرت و دوستی ها، بخشش و روحیه داوطلبی، عدالت و مشارکت مدنی، مشارکت و رهبری مدنی در نظر گرفته شد. در این پژوهش توصیفی، پیمایشی که جامعه آماری شهروندان بالای ۱۸ سال تهرانی در نظر گرفته شدند، با روش نمونه گیری خوشه ای پنج منطقه شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز به صورت تصادفی محلات (قیطریه، نعمت آباد، تهران پارس شرقی، ویلاشهر و بهار) انتخاب شدند و برای جمعیت ۱۱۳۳۴۶ با کمک فرمول کوکران ۳۸۳ نفر با کمک پرسشنامه خودساخته مورد تحلیل قرار گرفتند. پس از بررسی فرضیات با کمک آزمون همبستگی و رگرسیون تک متغیره مؤلفه های اعتماد اجتماعی، پیوندهای اجتماعی رسمی، پیوندهای اجتماعی غیررسمی، مشارکت مذهبی، تنوع معاشرت و دوستی ها، عدالت و مشارکت مدنی، مشارکت و رهبری مدنی به عنوان عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی شهروندان تهرانی شناخته شدند. بنابراین سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی افراد بر اساس این تحقیق مؤثر می باشد.

**واژگان کلیدی:** مشارکت مدنی، مشارکت سیاسی، سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی، پیوند اجتماعی.

---

<sup>۱</sup> . دانش اموخته دکترای جامعه شناسی سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) [eslamihosseini@yahoo.com](mailto:eslamihosseini@yahoo.com)

<sup>۲</sup> . دانشجویی دکترای جامعه شناسی توسعه دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب، تهران، ایران. [j.rajabloo@yahoo.com](mailto:j.rajabloo@yahoo.com)

<sup>۳</sup> . دانشجویی دکترای جامعه شناسی سیاسی دانشگاه آزاد [m\\_davoudkhani@yahoo.com](mailto:m_davoudkhani@yahoo.com)

## مقدمه

مشارکت شهروندان در زندگی سیاسی آن‌ها همواره مورد توجه اندیشمندان، فلاسفه اجتماعی و سیاسی بوده است. امروزه صاحب‌نظران علم سیاست، مشارکت سیاسی را یکی از شاخصه‌های جامعه دموکراتیک مطرح می‌کنند. هر جامعه‌ای که ادعای دموکراتیک بودن را داشته باشد، اما نتواند مشارکت مردم را در اعمال حاکمیت از طریق نهادهای مدنی و تشکل‌های سیاسی فراهم کند، ادعای دموکراتیک بودن و حاکمیت مردم، حرف بی‌معنایی خواهد بود. در حقیقت، یکی از مؤلفه‌های تعیین‌کننده جامعه مدنی، وجود آزادی‌های فردی و فراهم بودن زمینه برای شهروندان، جهت مشارکت در سیاست و امور حکومتی و همچنین شرکت در تشکل‌های حزبی و صنفی برای تحقق خواسته‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آن‌ها است.

سرمایه اجتماعی با ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی؛ شناخت عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مؤثر بر میزان مشارکت سیاسی؛ سنجش میزان ارتباط میزان مشارکت سیاسی افراد با مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، سنجش میزان تأثیر اعتماد اجتماعی بر مشارکت سیاسی هستیم. تهران به‌عنوان قطب سیاسی و اقتصادی کشور و میزان جمعیتی که برخوردار است جامعه مناسبی برای مطالعه بر مشارکت سیاسی هست. با انجام این پژوهش به این سؤال پاسخ خواهیم داد که: آیا میان میزان مشارکت سیاسی و پایگاه اقتصادی و اجتماعی شهروندان تهرانی رابطه وجود دارد؟

درواقع، فقدان مشارکت عمومی، حکومت و اداره‌ی سیاسی جامعه را در دام خودکامگی و استبداد گرفتار می‌کند. سرمایه اجتماعی را می‌توان در کنار سرمایه‌های اقتصادی و انسانی، بخشی از ثروت ملی به حساب آورد که بستر مناسبی برای بهره‌برداری از سرمایه انسانی و فیزیکی (مادی) و راهی برای نیل به موفقیت قلمداد می‌شود. بدون سرمایه اجتماعی، هیچ اجتماعی به هیچ سرمایه‌ای نمی‌رسد، به طوری که بسیاری از گروه‌ها، سازمان‌ها و جوامع انسانی، بدون سرمایه اقتصادی و صرفاً با تکیه بر سرمایه انسانی و اجتماعی توانسته‌اند به موفقیت دست یابند، اما هیچ مجموعه انسانی، بدون سرمایه اجتماعی نمی‌تواند اقدامات مفید و هدفمندی انجام دهد. از سوی دیگر، سرمایه اجتماعی به زندگی فرد، معنی و مفهوم می‌بخشد و زندگی را ساده‌تر و لذت‌بخش‌تر می‌کند. پس به‌طور کلی می‌توان گفت: هر چه سرمایه اجتماعی ملتی بیشتر باشد، آن ملت خوشبخت‌تر و ثروتمندتر خواهد بود. برخورداری از سرمایه اجتماعی در جامعه امروز بالطبع بر ادامه حیات جامعه مدنی تأثیرگذار است. این پژوهش با هدف سنجش

میزان مشارکت سیاسی شهروندان تهرانی و شناخت میزان تأثیرپذیری آن از مؤلفه های سرمایه اجتماعی انجام می شود.

### مبانی نظری

در روند تحول در الگوهای زندگی، پدیده «مشارکت سیاسی» به معنای «فرصت های پرداختن شمار زیادی از شهروندان به امور سیاسی» (آبرامسون، ۱۳۸۳: ۱۲۴۱) و به عنوان نقطه تلاقی ساختار فرهنگی و سیاسی در هر جامعه ای است. در حقیقت اندیشه مشارکت سیاسی عبارت است از درگیر شدن توده های مردم در فعالیت سیاسی و تعیین سرنوشت خود و تنها از این رهگذر است که زمینه های ثبات و پایداری نظام سیاسی تحقق می یابد. مشارکت سیاسی می تواند در دو سطح توده (مانند شرکت در انتخابات، عضویت در احزاب و انجمن ها و تجربه های اجتماعی) و نخبگان (حضور در مجلس، قوه مجریه و داشتن مناصب عالی معنا یابد) (کاظمی پور، ۱۳۸۳: ۲۱۷)؛ ولی در هر صورت، در بین اقشار مختلف جامعه اعم از زن و مرد همواره مطرح بوده است.

در یک جمع بندی اگر بخواهیم مهم ترین موارد سطوح مشارکت سیاسی را برشمریم، به ترتیب اهمیت، از پایین ترین تا بالاترین سطوح مشارکت سیاسی در پنج سطح عبارت اند از:

- ۱) رأی دادن و شرکت در گزینش و انتخاب مسئولان سیاسی و اجتماعی؛
- ۲) آزادی بیان و شرکت در تشکل های فعال سیاسی و نقد و ارزیابی عملکرد نهادها، مسئولان و ساختار حکومتی؛
- ۳) نامزدی پست ها و کرسی های سیاسی و فعالیت آزاد انتخاباتی؛
- ۴) دخالت و مشارکت در تغییرات و اصلاحات درون ساختاری؛
- ۵) اقدام و عمل برای تغییرات بنیادین نهادها و ساختارهای نظام حکومتی.

در ارزیابی این سطوح باید گفت که از لحاظ اولویت و اهمیت و نیز میزان تأثیرگذاری، سطح پنجم تأثیرگذارترین و پراهمیت ترین سطح است ولی از لحاظ پراکندگی، بیشترین میزان مشارکت سیاسی در سطح اول وجود دارد بنابراین احتمال رخداد سطح پنجم که می تواند منجر به تغییر نظام شود در مقایسه با چهار سطح دیگر کمتر است. به بیانی دیگر می توان گفت هر چه میزان فعالیت سیاسی بالا رفته و شدت پذیرد، از میزان مشارکت افراد کاسته می شود؛ یعنی

میان سطح فعالیت سیاسی و شدت آن با میزان مشارکت سیاسی رابطه‌ای معکوس برقرار است (خداوردی، ۱۳۸۴: ۲۳).

به‌زعم و بر «زندگی سیاسی نیز به‌عنوان جزئی از حیات اجتماعی، عرصه‌ی وقوع رفتار عقلانی و غیرعقلانی است و سیاست نیز رابطه حکومت و اطاعت میان کنشگران اجتماعی است» (بشریه، ۱۳۷۴: ۱۳۷) که می‌تواند خود را به اشکال پیش‌گفته نشان دهد. از این‌رو، «وبر» در بحث روابط قدرت به یک سنخ‌شناسی متناسب با انواع کنش‌های اجتماعی در حیطه قدرت و ادعای مشروعیت دست می‌یازد و برحسب این سنخ‌شناسی از روابط اقتدار سه نوع اقتدار را برمی‌شمارد:

«اقتدار می‌تواند بر زمینه‌های معقول استوار باشد و ریشه در قواعد غیرشخصی‌ای داشته باشد که قانوناً تصویب‌شده یا با قرارداد استقرار یافته باشند. این نوع اقتدار را باید اقتدار قانونی - عقلانی به شمار آورد که شاخص روابط سلسله‌مراتبی جامعه نوین است؛ اما اقتدار سنتی که بر جوامع ماقبل جامعه نوین حاکم بوده است، بر اعتقاد به تقدس سنت و گذشته ازلی استوار است؛ این آن اقتداری نیست که بر پایه‌ی قواعد غیرشخصی صورت قانونی به خود گرفته باشد، بلکه در اشخاص خاصی عجین شده است که یا این اقتدار را به ارث می‌برند و یا آن را از یک مرجع اقتدار والاتر می‌گیرند. سرانجام اقتدار فرهمندانه بر جاذبه‌های رهبرانی استوار است که به خاطر فضیلت خارق‌العاده‌ی اخلاقی و قهرمانی یا مذهبی‌شان، خواستار تبعیت افراد جامعه‌اند» (کوزر، ۱۳۷۲: ۳۱۱).

پارسونز با اعتقاد به نظام‌مند بودن زندگی اجتماعی و عمل فرد، تحقق کنش فرد را مقید به چهار نظام ارگانیک، شخصیت، نظام اجتماعی و نظام فرهنگی می‌داند. این چهار نظام با یکدیگر رابطه متقابل دارند و رابطه‌شان مبتنی بر وابستگی متقابل و اکمال متقابل است، به‌نحوی که در تحلیل هر نظام همواره باید لاقول وجود سه‌نظام دیگر که محیط آن‌ها می‌سازند، مدنظر قرار گیرد. این نظام‌ها از طریق تداوم کنش انسانی به‌صورت درهم‌تنیده، تداوم‌یافته و به سهم خود به کنش یا عمل انسانی شکل می‌دهند. در مورد رفتار انسانی می‌توان گفت که «چهار خرده نظام کنش هر یک مکانیسم‌های هدایت یا کنترل کنش را در بردارند: نیازهای فیزیولوژیک، انگیزه‌های روانی، هنجارهایی که کنش متقابل بازیگران اجتماعی را توصیف می‌کنند و ارزش‌های فرهنگی، همه مکانیسم‌هایی هستند که در مورد هدایت یا کنترل کنش به کار می‌روند؛ یعنی بدان تمایل می‌بخشند. اما آنچه به این مکانیسم‌های کنترل، خصلت

سیبرنتیکی می‌دهد آن است که همه آن‌ها در یک سطح قرار ندارند. چهار خرده نظام از نظر کنترلی که برکنش اعمال می‌کنند برحسب سلسله‌مراتبی نظم یافته‌اند. نظام زیستی در پایین سلسله مراتب قرار دارد، سپس نظام شخصیتی و پس از آن‌ها نظام اجتماعی و نظام فرهنگی یکی پس از دیگری قرار گرفته‌اند» (روشه، ۱۳۷۵: ۱۶۵).

سرمایه اجتماعی زیربنای اصلی هر جامعه‌ای برای رشد و توسعه است و جوامع به هر میزان که بتوانند به انباشت این سرمایه بپردازند، به همان میزان نیز می‌توانند در راه رشد و توسعه گام بردارند و از مواهب توسعه بهره‌مند شوند. سرمایه اجتماعی از تجمیع سرمایه انسانی، سرمایه طبیعی، سرمایه فیزیکی و مادی، نوعی روابط و تعاملاتی که بین این سرمایه‌ها در جامعه وجود دارد، تشکیل و حرکت جامعه را به سوی آینده هموارتر می‌سازد.

سرمایه اجتماعی اگر وجهی نویافته و انکارناپذیر از یک جامعه باشد که به‌راستی چنین است، الزاماً در همه جوامع شکل و صورت واحدی ندارد؛ به‌بیان‌دیگر، سرمایه اجتماعی حتی اگر مفهومی واحد داشته باشد، قطعاً مصداق واحدی در همه جوامع ندارد و اقتضای سرمایه بودن آن، این است که در هر جامعه‌ای متناسب با مقتضیات آن جامعه شکل بگیرد. هویت ملی، پیشینه تاریخی، باورها، دین، دردها و شادی‌های مشترک و سود و زیان‌های عمومی یک جامعه در چند و چون تولید سرمایه اجتماعی آن نقش دارند و لذا نمی‌توان میزان سرمایه اجتماعی در جوامع مختلف را با شاخص‌های یکسان سنجید (الویری، ۱۳۸۴: ۱۱۸).

از نظر پیر بوردیو، سرمایه اجتماعی، جمع منابع واقعی یا بالقوه‌ای است که حاصل شبکه‌ای بادوام از روابط کمابیش نهادینه‌شده و شناخت متقابل و به‌بیان‌دیگر، عضویت در یک گروه است؛ شبکه‌ای که هر یک از اعضای خود را از پشتیبانی سرمایه جمعی برخوردار می‌کند و آنان را مستحق «اعتبار» می‌سازد. این روابط ممکن است فقط در حالت عملی و در مبادلات مادی و یا نمادینی وجود داشته باشد که آنان را در حفظ آن روابط کمک می‌کند (تاج بخش، ۱۳۸۴: ۱۴۷). بوردیو سرمایه اجتماعی را منبع سرمایه فرهنگی می‌داند، درحالی‌که منظورش از سرمایه اجتماعی، منافع و منابعی است که افراد به‌واسطه عضویت در شبکه‌ها به دست می‌آورند (پورتس، ۱۹۹۸: ۱۷).

پوتنام پژوهشی در حکومت‌های ایالتی و محلی ایتالیا و تأثیر آن‌ها در روند توسعه آن کشور انجام داده است. از نظر پوتنام، سرمایه اجتماعی آن دسته از ویژگی‌های سازمان اجتماعی است که هماهنگی و همکاری را برای منفعت متقابل تسهیل می‌کنند. به‌طور کلی، شبکه‌های رسمی و

غیررسمی ارتباطات و مبادلات در هر جامعه‌ای، اعم از مدرن، سنتی، اقتدارگرا، دموکراتیک، فئودالی و یا سرمایه‌داری وجود دارد (پوتنام، ۱۳۸۰: ۲۹۶).

از نظر او شاخص‌های سرمایه اجتماعی عبارت‌اند از: آگاهی؛ مشارکت؛ نهادهای مدنی. از نظر وی، سرمایه اجتماعی آن دسته از ویژگی‌های سازمان اجتماعی است که هماهنگی و همکاری را برای سود متقابل تسهیل می‌کند که از دیدگاه وی این ویژگی‌ها عبارت‌اند از:

۱. شبکه‌ها ۲. هنجارهای معامله متقابل ۳. اعتماد اجتماعی

فوکویاما در رابطه با سرمایه اجتماعی، هنجارهای اجتماعی را به دو بخش تقسیم می‌کند:

۱. هنجارهای مولد سرمایه اجتماعی

۲. هنجارهای غیرمولد

هنجارهای مولد سرمایه اجتماعی به ارتقای همکاری میان اعضای گروه منجر می‌شوند و اساساً شامل سجایایی چون صداقت، ادای تعهدات و ارتباطات دوجانبه می‌باشند. اما هنجارهای غیرمولد برخلاف هنجارهای مولد سرمایه اجتماعی کمکی به ارتقای همکاری میان اعضای گروه نخواهد کرد. پس ممکن است در جامعه‌ای سرمایه اجتماعی و اعتماد متقابل را ببینیم، ولی هنجارهای اجتماعی قوی آن از نوع غیرمولد سرمایه اجتماعی باشد، مثل عدم اعتماد به دیگران. جامعه‌ای که افراد حتی نباید به پدر و مادر خود اعتماد کنند، دارای یک هنجار غیرمولد سرمایه اجتماعی است (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۲).

جیمز کلمن نیز سه نوع سرمایه را از یکدیگر متمایز می‌کند که عبارت‌اند از: سرمایه مادی، سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی؛ تعاملی که بین انواع سرمایه در دیدگاه بورديو ملاحظه شد، در نظر کلمن نیز وجود دارد، با این تفاوت که کلمن بر سرمایه انسانی تأکید دارد تا سرمایه فیزیکی. مفهوم سرمایه فیزیکی به گونه‌ای که در ابزارها، ماشین‌آلات و دیگر وسایل تولیدی تجسم یافته است، می‌تواند بسط یابد و شامل سرمایه انسانی نیز بشود. همان‌طور که سرمایه فیزیکی، با ایجاد تغییرات در مواد برای شکل دادن به ابزارهایی که تولید را تسهیل می‌کنند، به وجود می‌آید و افراد را توانا می‌سازد، به شیوه جدید رفتار کنند. سرمایه اجتماعی به نوبه خود هنگامی به وجود می‌آید که روابط میان افراد به شیوه ایی دگرگون می‌شود که کنش را تسهیل می‌کند. سرمایه فیزیکی کاملاً ملموس است و در مهارت‌ها و دانش که فرد کسب کرده است، تجسم می‌یابد. سرمایه اجتماعی حتی کمتر از این محسوس است.

اعتقاد کلمن، عواملی که سبب ایجاد و گسترش سرمایه اجتماعی می‌شوند، عبارت‌اند از: ۱. کمک ۲. ایدئولوژی ۳. اطلاعات ۴. هنجارها (طلوعی اشقلی، ۱۳۸۵: ۱۶).

### جدول ۱- جدول تعریف سرمایه اجتماعی

اندیشمندان	تعاریف سرمایه اجتماعی
بورديو	حاصل جمع منابع اجتماعی‌ای که تحت شرایط معینی قابل تغییر است.
پورت	توانایی بازیگران برای تأمین منافع توسط عضویت در شبکه‌های اجتماعی
کلمن	سرمایه اجتماعی توسط کار ویژه‌هایش تعریف می‌شود. این مفهوم عنصری مجرد نیست، بلکه از عناصر متعددی تشکیل می‌شود که دارای دو ویژگی مهم است: ۱) شامل برخی جنبه‌های ساختار اجتماعی است؛ ۲) به رفتارهای افرادی که در درون این ساختارها قرار دارند، جهت می‌دهند.
فوکویاما	توانایی افراد برای همکاری با یکدیگر در درون گروه‌ها و سازمان‌ها به منظور رسیدن به اهداف مشترک.
پوتنام	ویژگی‌هایی که همکاری افراد برای رسیدن به منافع متقابل را تسهیل می‌بخشد.
لوری	مجموعه‌ای از منابع که در سازمان‌های اجتماعی به صورت ذاتی وجود دارد و در جامعه‌پذیری افراد و رشد شناختی - اجتماعی مؤثر است.
وولکاک	اطلاعات، اعتماد و هنجارهای متقابلی که در روابط اجتماعی انسان‌ها ماندگار است.

سرمایه اجتماعی در بردارنده‌ی مفاهیمی همچون اعتماد، همکاری و روابط متقابل بین اعضای یک گروه است؛ به طوری که گروه را به سمت دستیابی به هدفی که بر مبنای ارزش‌ها و هنجارهای رایج در جامعه مثبت تلقی شود، هدایت می‌کند. لذا این مفهوم برای پیشبرد و سهولت در عملکرد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی یک جامعه عاملی ضروری به شمار می‌رود» (همان: ۹۴۳)

به‌رغم اینکه در مورد سطوح سرمایه اجتماعی، اجماعی کلی بین محققان وجود ندارد، ولی بیشتر آن‌ها سرمایه اجتماعی را در سه سطح خرد، میانی و کلان تقسیم کرده‌اند. در سطح خرد از تعریف سرمایه اجتماعی بر روابط فردی و شبکه‌های ارتباطی بین افراد، هنجارها و ارزش‌های غیررسمی حاکم بر آن تأکید می‌شود. بورديو در همین سطح به بحث از سرمایه اجتماعی می‌پردازد (فیروزآبادی، ۱۳۸۴: ۱۲۹). سطح میانی نخستین بار توسط کلمن مطرح شد. او در تعریف خود از سرمایه اجتماعی، این مفهوم را به گونه‌ای گسترش می‌دهد که علاوه بر پیوندهای افقی، شامل پیوندهای عمودی نیز می‌شود و روابط میان گروه‌ها را نیز در برمی‌گیرد. سرانجام

در سطح کلان تعداد زیادی گروه‌های داوطلبانه بر مبنای روابط افقی و اعتماد وجود دارند که سرمایه اجتماعی را تولید می‌کنند و همه اعضای جامعه از آن بهره‌مند می‌شوند. پوتنام و فوکویاما در همین سطح به سرمایه اجتماعی پرداخته‌اند. از نظر پوتنام سرمایه اجتماعی موجب عملکرد بهتر نهادهای دموکراتیک حکومتی شده و از نظر فوکویاما سرمایه اجتماعی نظم اجتماعی را حفظ می‌کند و تداوم می‌بخشد (ازکیا، ۱۳۸۴: ۶۴ - ۳۳)

### مبانی نظری

امام‌جمعه زاده، کوشکی، رهبرقاضی در سال ۱۳۹۳ پژوهشی با عنوان "بررسی نقش ابعاد ساختاری و ارتباطی سرمایه اجتماعی در تبیین مشارکت سیاسی (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه اصفهان)" انجام داده‌اند. در این پژوهش سرمایه اجتماعی با دو بعد ساختاری و ارتباطی و مشارکت سیاسی به سه سطح بی‌تفاوتی سیاسی، مشارکت سیاسی رسمی و مشارکت سیاسی فعال در نظر گرفته شده است. یافته‌های پژوهش نشان داد که هرچند هر دو بعد سرمایه اجتماعی، رابطه معنی‌داری با ابعاد مشارکت سیاسی داشتند، اما سرمایه اجتماعی ارتباطی تأثیر بیشتری بر روی رفتار سیاسی دانشجویان داشته است.

گلایی و حاجیلو در سال ۱۳۹۰ در پژوهشی با عنوان "بررسی جامعه‌شناختی برخی عوامل مؤثر بر میزان مشارکت سیاسی زنان (مطالعه موردی استان آذربایجان شرقی)" که با روش پیمایش صورت پذیرفته است. متغیرهایی که تأثیر آن‌ها بر مشارکت سیاسی زنان موردسنجش قرار گرفته عبارت‌اند از: خاستگاه اجتماعی و اقتصادی خانواده، عضویت و فعالیت فرد در انجمن‌ها، فعالیت والدین و دوستان فرد در انجمن‌های مختلف، تمایل فرد به مشارکت، تمایل والدین و دوستان فرد به مشارکت. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که از بین این متغیرها، متغیر فعالیت فرد در انجمن‌ها بیشترین تأثیر و تمایل والدین فرد به مشارکت، کمترین تأثیر را بر مشارکت سیاسی زنان داشته است.

برندا اونیل (۲۰۰۴) در بررسی خود زیر عنوان "جنسیت، مذهب، سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی" بر تعهدگرایی مذهب به عنوان یک عنصر سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی در میان زنان آمریکا انگشت می‌گذارد. نتایج این مطالعه وجود رابطه میان باورها و فعالیت‌های مذهبی با رفتارهای سیاسی را نشان می‌دهد. به باور او تعهد مذهبی زنان فرصت‌هایی برای در اختیار گرفتن زمینه گسترده‌ای از فعالیت‌ها برای آنان فراهم کرده است و دامنه مهارت‌های اجتماعی



زنان را نیز گسترش می‌دهد (موحد و دیگران، ۱۳۸۷:۱۶۷)

تیمبرلیک (۲۰۰۵) در پژوهشی با عنوان "سرمایه اجتماعی و جنسیت در محیط کار" به پژوهش درباره این پدیده پرداخته و دریافته است که مفهوم سرمایه اجتماعی پیوندی نزدیک با محیط کار دارد و چه‌بسا اهمیت بیشتری از سرمایه انسانی در دستیابی به منافع انسانی داشته باشد. از این‌رو، بر آن است که شبکه‌ها و سرمایه اجتماعی هم برای زنان و هم برای مردان اهمیت دارد، ولی روش‌های مردان و زنان برای دسترسی به این سرمایه و اندازه بهره‌برداری آنان یکسان نیست. از این‌رو، نابرابری سرمایه اجتماعی فرصت اندکی برای زنان در ارتقای شغلی پدید می‌آورد و این مسئله هم برای زنان و هم برای سازمانی که در آن کار می‌کنند، زیان‌بار است. در مجموع مرور نظریات مطروحه در بخش مبانی نظری و پیشینه تحقیق برای دستیابی به هدف پژوهش و برمبنای نظریات، مؤلفه‌های اعتماد اجتماعی، پایگاه اجتماعی- اقتصادی، پیوندهای اجتماعی رسمی، پیوندهای اجتماعی غیررسمی، مشارکت مذهبی، بخشش و روحیه داوطلبی، عدالت و مشارکت مدنی، تنوع معاشرت و دوستی‌ها، بخشش و روحیه داوطلبی در نظر گرفته شدند.

### فرضیه‌ها و مدل تحلیلی پژوهش

فرضیه اصلی: بین میزان مشارکت سیاسی و مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی ارتباط معنادار وجود دارد.

فرضیه‌های فرعی

- بین میزان مشارکت سیاسی و پایگاه اقتصادی و اجتماعی شهروندان تهرانی رابطه معنادار وجود دارد.

- بین میزان مشارکت سیاسی و اعتماد اجتماعی شهروندان تهرانی رابطه معنادار وجود دارد.

- بین میزان مشارکت سیاسی و مشارکت مذهبی شهروندان تهرانی رابطه معنادار وجود دارد.

- بین میزان مشارکت سیاسی و پیوندهای اجتماعی رسمی شهروندان تهرانی رابطه معنادار وجود دارد.

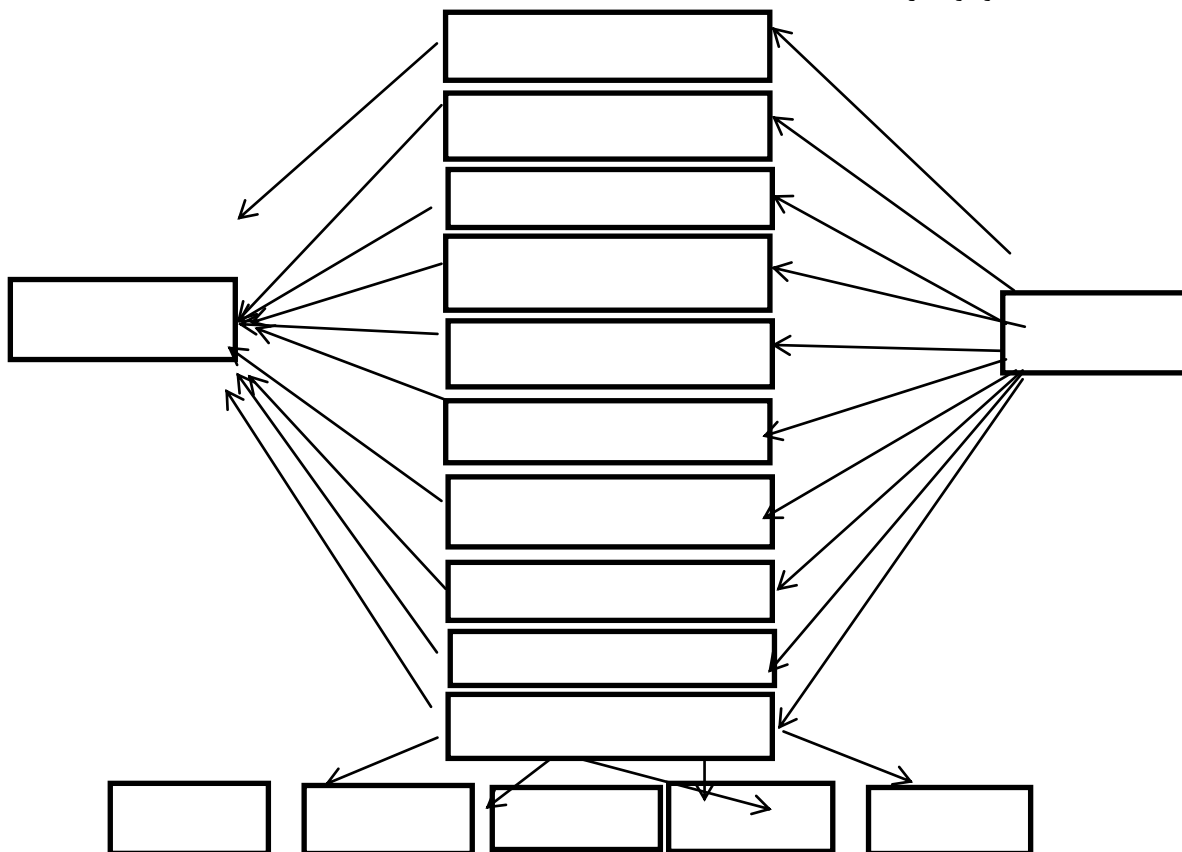
- بین میزان مشارکت سیاسی و پیوندهای اجتماعی غیررسمی شهروندان تهرانی رابطه معنادار وجود دارد.

- بین میزان مشارکت سیاسی و مشارکت و رهبری مدنی شهروندان تهرانی رابطه معنادار وجود دارد.

- بین میزان مشارکت سیاسی و بخشش و روحیه داوطلبی شهروندان تهرانی رابطه معنادار وجود دارد.

- بین میزان مشارکت سیاسی و عدالت و مشارکت مدنی شهروندان تهرانی رابطه معنادار وجود دارد.

- بین میزان مشارکت سیاسی و تنوع معاشرت و دوستی‌ها شهروندان تهرانی رابطه معنادار وجود دارد



شکل ۱- مدل تحقیق

### روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع روش پیمایشی و توصیفی است؛ گردآوری مجموعه‌ای منظم و ساختمند از صفت یا ویژگی هر مورد برحسب هر متغیر و همچنین روش تحلیل خاص آن که مبتنی بر مقایسه موردها بوده و از این طریق در پی روابط بین پدیده‌ها و مکانیزم علی آن‌ها می‌باشد، از ویژگی‌های خاص تحقیق پیمایشی است. درواقع، پژوهش پیمایشی به در نظر گرفتن فرضیه‌ها و آزمون آن‌ها و بررسی روابط بین متغیرها، بدون دست‌کاری مبتنی است. تحقیق با انتخاب و مطالعه نمونه‌های انتخاب‌شده از جامعه آماری به بررسی میزان شیوع، توزیع و روابط متقابل بین متغیرها می‌پردازد. در این پژوهش اطلاعات مربوط به بخش نظری از روش کتابخانه‌ای و بخش آماری از روش میدانی استفاده می‌شود. جمعیت آماری این پژوهش عبارت است از کلیه جمعیت ۱۸ سال به بالای شهر تهران. در این تحقیق اندازه حجم نمونه را از طریق فرمول کوکران به دست می‌آید. حجم جامعه آماری ۱۱۳۳۴۶ نفر، طبق فرمول برابر است با ۳۸۳ نفر که به این ترتیب حجم نمونه این تحقیق تعداد ۳۸۳ نفر از ساکنین محلات تهران هستند. هستند که ابتدا به صورت خوشه‌ای از میان ۲۲ منطقه، پنج محله، در شمال، شرق، غرب، مرکز و جنوب تهران که به ترتیب محلات ( قیطریه، تهران پارس شرقی، ویلاشهر، بهار، نعمت‌آباد) انتخاب شده و سپس به صورت تصادفی یک محله از این منطقه را انتخاب کرده‌ایم. از پنج محله مختلف، بعد از اختصاص نمونه‌ها برحسب (درصد) به محلات، ساکنین توزیع شده است.

### یافته‌ها

در این پژوهش جهت تحلیل داده‌ها از دو روش آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است که از نرم افزارهای Exell و Spss استفاده شده است. براساس نتایج آمار توصیفی به نتایج ذیل دست یافتیم:

- حدود ۶۲ درصد پاسخگویان کمتر از ۴۴ سال سن دارند.
- تقریباً نیمی از پاسخگویان خانم و نیم دیگر آقا بوده‌اند.
- حدود ۷۸ درصد پاسخگویان مجرد یا متأهل هستند.
- ۱,۸ درصد پاسخگویان بی سواد، ۲۱,۱ درصد زیر دیپلم، ۳۱,۹ درصد مدرک دیپلم دارند.
- ۲۴ درصد دارای مدرک فوق دیپلم و ۱۳,۶ درصد دارای مدرک لیسانس بوده‌اند. ۲,۳ درصد با مدرک فوق لیسانس و ۲,۳ درصد نیز دارای مدرک دکترا بوده‌اند.

- حدود ۸۷ درصد پاسخگویان پدرانشان مدرک تحصیلی فوق دیپلم و کمتر از آن دارند.
- حدود ۹۰ درصد مادران پاسخگویان در این پژوهش دارای مدرک فوق دیپلم و کمتر هستند.
- بیش از ۶۴ درصد پاسخگویان قومیت فارس یا ترک داشته‌اند.
- ۹,۷ درصد درآمدشان کمتر از هشتصد هزار تومان است، ۳۱,۶ درصد درآمد هشتصد هزار تومان تا یک و نیم میلیون دارند. ۳۱,۹ درصد نیز درآمد یک و نیم تا دو و نیم میلیون دارند و ۲۶,۹ درصد نیز درآمدی بیش از دو و نیم میلیون دارند.
- ۱۳,۹ درصد هزینه زندگی‌شان را کمتر از پانصد هزار تومان برآورد کرده‌اند. ۳۴ درصد هزینه زندگی‌شان را پانصد هزار تومان تا یک میلیون و ۳۱,۹ درصد هزینه زندگی‌شان را یک میلیون تا یک و نیم میلیون برآورد نموده‌اند. ۲۰,۲ درصد نیز هزینه زندگی‌شان را بیش از یک و نیم میلیون دانسته‌اند.
- ۱۳,۸ درصد پاسخگویان در این پژوهش بیکار، ۸,۶ درصد نیز کارگر هستند. ۱۵,۱ درصد کارمند و ۲,۶ درصد مدیر، ۶ درصد پاسخگویان مهندس هستند. ۷,۶ درصد نیز مغازه‌دار و ۲,۳ درصد دکتر هستند. ۲,۱ درصد نیز راننده، ۱۲,۵ درصد نیز شغل آزاد دارند. ۱۷ درصد پاسخگویان در حال تحصیل، معادل ۱۲,۳ درصد نیز خانه‌دار هستند.

جدول ۲- جدول توصیف متغیرهای پژوهش

جدول توزیع درصدی متغیرها	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم
اعتماد اجتماعی	۶	۷۱,۸	۲۱,۱	۰,۱	۰
مشارکت مذهبی	۸,۹	۳۱,۳	۴۴,۶	۱۳,۶	۱,۶
تنوع معاشرت و دوستی‌ها	۴,۴	۱۹,۳	۴۷,۳	۲۶,۹	۲,۱
بخشش و روحیه داوطلبی	۲,۹	۲,۱	۵۲,۵	۱۹,۸	۳,۷
پیوند اجتماعی غیررسمی	۳,۷	۱۴,۱	۶۴,۲	۱۷,۲	۰,۸
پیوند اجتماعی رسمی	۶,۳	۲۴	۵۴,۸	۱۴,۶	۰,۳
عدالت و مشارکت شهروندان	۹,۴	۳۰,۵	۳۷,۶	۱۶,۲	۶,۳
مشارکت و رهبری مدنی	۴,۲	۲۰,۶	۵۵,۱	۱۸,۸	۸,۳
مشارکت سیاسی	۴,۷	۲۶,۴	۴۶,۹	۱۹,۴	۲,۶

پایگاه اجتماعی و اقتصادی نیز به‌عنوان یکی از مولفه‌های سرمایه اجتماعی است که در بررسی امار توصیفی این متغیر به جدول ذیل دست یافتیم:

جدول ۳- جدول توصیف متغیر پایگاه اجتماعی و اقتصادی

پایگاه اجتماعی و اقتصادی	پایین	متوسط	بالا
	۸۵,۱	۱۴,۹	۰

در ادامه جهت بررسی فرضیات پژوهش با کمک امار استنباطی نیز به نتایج ذیل دست یافتیم:

جدول ۴- جدول آزمون همبستگی و رگرسیون در بررسی فرضیات

میزان مشارکت سیاسی	r ضریب همبستگی	سطح معناداری همبستگی (M)	F	سطح معناداری رگرسیون	ضریب تعیین
پایگاه اقتصادی و اجتماعی شهروندان	۰,۱۹۸	۰/۰۸۴	۴,۳۳۰	۰,۰۳۸	۰,۰۱۱
اعتماد اجتماعی	۰,۳۳۳	۰,۰۰	۲۳,۷۱۹	۰,۰۰	۰,۰۵۹
مشارکت مذهبی	۰,۲۲۸	۰,۰۰	۷,۵۴۹	۰,۰۰	۰,۰۱۹
پیوندهای اجتماعی رسمی شهروندان	۰,۳۰۵	۰,۰۰	۲۳,۷۵۹	۰,۰۰	۰,۰۵۹
پیوندهای اجتماعی غیررسمی شهروندان	۰,۲۸۳	۰,۰۰	۱۷,۲۰۲	۰,۰۰	۰,۰۴۳
مشارکت و رهبری مدنی شهروندان	۰,۳۹۰	۰,۰۰	۴۵,۵۲۶	۰,۰۰	۰,۱۰۷
بخشش و روحیه داوطلبی شهروندان تهرانی	۰,۰۵۶	۰/۴۴۷	۲,۳۳۴	۰,۱۲۷	۰,۰۰۶
عدالت و مشارکت مدنی شهروندان تهرانی	۰,۲۷۴	۰,۰۰	۲۵,۲۳۱	۰,۰۰	۰,۰۶۲
تنوع معاشرت و دوستی‌ها شهروندان	-۰,۴۰۵	۰,۰۰	۵۶,۸۰۷	۰,۰۰	۰,۱۳۰
مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی	-۰,۴۰۵	۰,۰۰	۵۶,۸۰۷	۰,۰۰	۰,۱۳۰

### بحث و نتیجه گیری

در راستای رسیدن به هدف تحقیق با کمک آزمون همبستگی و رگرسیون به بررسی فرضیات

تحقیق و آمار استنباطی تحقیق پرداختیم که نتایج فرضیات به شرح ذیل می‌باشد:  
سطح معناداری همبستگی ۰,۰۸۴ نشان می‌دهد، میان پایگاه اجتماعی و اقتصادی شهروندان  
تهرانی و مشارکت سیاسی آن‌ها رابطه معناداری وجود ندارد.

سطح معناداری همبستگی ۰,۰۰ نشان می‌دهد با ۹۹ درصد اطمینان اعتماد اجتماعی شهروندان  
تهرانی و میزان مشارکت سیاسی آن‌ها رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. با افزایش میزان  
اعتماد اجتماعی شهروندان بر میزان مشارکت سیاسی آن‌ها افزوده می‌شود و بالعکس.  
پس از اثبات همبستگی میان این دو متغیر با انجام آزمون رگرسیون و سطح معناداری ۰,۰۰  
می‌توان دریافت که با ۹۹ درصد میزان اعتماد اجتماعی شهروندان بر میزان مشارکت سیاسی  
آن‌ها مؤثر است و ۵,۹ درصد میزان مشارکت سیاسی شهروندان تهرانی را می‌توان با میزان  
اعتماد اجتماعی آن‌ها تبیین نمود.

سطح معناداری همبستگی ۰,۰۰ نشان می‌دهد با ۹۹ درصد اطمینان مشارکت مذهبی شهروندان  
تهرانی و میزان مشارکت سیاسی آن‌ها رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. با افزایش میزان  
مشارکت مذهبی شهروندان بر میزان مشارکت سیاسی آن‌ها افزوده می‌شود و بالعکس.  
پس از اثبات همبستگی میان این دو متغیر با انجام آزمون رگرسیون و سطح معناداری ۰,۰۰  
می‌توان دریافت که با ۹۹ درصد میزان مشارکت مذهبی شهروندان بر میزان مشارکت سیاسی  
آن‌ها مؤثر است و ۱,۹ درصد میزان مشارکت سیاسی شهروندان تهرانی را می‌توان با میزان  
مشارکت مذهبی آن‌ها تبیین نمود.

سطح معناداری همبستگی ۰,۰۰ نشان می‌دهد، با ۹۹ درصد اطمینان، پیوندهای اجتماعی  
رسمی شهروندان تهرانی و میزان مشارکت سیاسی آن‌ها رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. با  
افزایش میزان پیوندهای اجتماعی رسمی شهروندان بر میزان مشارکت سیاسی آن‌ها افزوده  
می‌شود و بالعکس.

پس از اثبات همبستگی میان این دو متغیر با انجام آزمون رگرسیون و سطح معناداری ۰,۰۰  
می‌توان دریافت که با ۹۹ درصد میزان پیوندهای اجتماعی رسمی شهروندان بر میزان مشارکت  
سیاسی آن‌ها مؤثر است و ۵,۹ درصد میزان مشارکت سیاسی شهروندان تهرانی را می‌توان با  
پیوندهای اجتماعی رسمی شهروندان آن‌ها تبیین نمود.

سطح معناداری همبستگی ۰,۰۰ نشان می‌دهد با ۹۹ درصد اطمینان پیوندهای اجتماعی غیر  
رسمی شهروندان تهرانی و میزان مشارکت سیاسی آن‌ها رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. با

افزایش میزان پیوندهای اجتماعی غیررسمی شهروندان بر میزان مشارکت سیاسی آنها افزوده می‌شود و بالعکس.

پس از اثبات همبستگی میان این دو متغیر با انجام آزمون رگرسیون و سطح معناداری ۰,۰۰۰ می‌توان دریافت که با ۹۹ درصد میزان پیوندهای اجتماعی غیررسمی شهروندان بر میزان مشارکت سیاسی آنها مؤثر است و ۴,۳ درصد میزان مشارکت سیاسی شهروندان تهرانی را می‌توان با پیوندهای اجتماعی غیررسمی شهروندان آنها تبیین نمود.

سطح معناداری همبستگی ۰,۰۰۰ نشان می‌دهد با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان نتیجه گرفت مشارکت و رهبری مدنی شهروندان تهرانی و میزان مشارکت سیاسی آنها رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. با افزایش میزان مشارکت و رهبری مدنی شهروندان بر میزان مشارکت سیاسی آنها افزوده می‌شود و بالعکس.

پس از اثبات همبستگی میان این دو متغیر با انجام آزمون رگرسیون و سطح معناداری ۰,۰۰۰ می‌توان دریافت که با ۹۹ درصد میزان مشارکت و رهبری مدنی شهروندان بر میزان مشارکت سیاسی آنها مؤثر است و ۱۰,۷ درصد میزان مشارکت سیاسی شهروندان تهرانی را می‌توان با مشارکت و رهبری مدنی شهروندان آنها تبیین نمود.

سطح معناداری همبستگی ۰,۴۴۷ نشان می‌دهد، میان بخشش و روحیه داوطلبی شهروندان تهرانی و مشارکت سیاسی آنها رابطه معناداری وجود ندارد.

سطح معناداری همبستگی ۰,۰۰۰ نشان می‌دهد با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان نتیجه گرفت عدالت و مشارکت مدنی شهروندان تهرانی و میزان مشارکت سیاسی آنها رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. با افزایش میزان عدالت و مشارکت مدنی شهروندان تهرانی بر میزان مشارکت سیاسی آنها افزوده می‌شود و بالعکس.

پس از اثبات همبستگی میان این دو متغیر با انجام آزمون رگرسیون و سطح معناداری ۰,۰۰۰ می‌توان دریافت که با ۹۹ درصد میزان عدالت و مشارکت مدنی شهروندان تهرانی بر میزان مشارکت سیاسی آنها مؤثر است و ۶,۲ درصد میزان مشارکت سیاسی شهروندان تهرانی را می‌توان با عدالت و مشارکت مدنی شهروندان آنها تبیین نمود.

سطح معناداری همبستگی ۰,۰۰۰ می‌باشد. پس با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان نتیجه گرفت تنوع معاشرت و دوستی‌ها شهروندان و میزان مشارکت سیاسی آنها رابطه منفی و معناداری

وجود دارد. با افزایش میزان تنوع معاشرت و دوستی‌ها شهروندان از میزان مشارکت سیاسی آن‌ها کاسته می‌شود و بالعکس.

پس از اثبات همبستگی میان این دو متغیر با انجام آزمون رگرسیون و سطح معناداری ۰,۰۰۰ می‌توان دریافت که با ۹۹ درصد میزان تنوع معاشرت و دوستی‌ها شهروندان بر میزان مشارکت سیاسی آن‌ها مؤثر است و ۱۳ درصد میزان مشارکت سیاسی شهروندان تهرانی را می‌توان با تنوع معاشرت و دوستی‌ها شهروندان آن‌ها تبیین نمود.

سطح معناداری همبستگی ۰,۰۰۰ نشان می‌دهد با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان نتیجه گرفت سرمایه اجتماعی شهروندان و میزان مشارکت سیاسی آن‌ها رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. با افزایش میزان سرمایه اجتماعی شهروندان به میزان مشارکت سیاسی آن‌ها افزوده می‌شود و بالعکس.

پس از اثبات همبستگی میان این دو متغیر با انجام آزمون رگرسیون و سطح معناداری ۰,۰۰۰ می‌توان دریافت که با ۹۹ درصد میزان سرمایه اجتماعی شهروندان بر میزان مشارکت سیاسی آن‌ها مؤثر است و ۱۰,۵ درصد میزان مشارکت سیاسی شهروندان تهرانی را می‌توان با سرمایه اجتماعی شهروندان آن‌ها تبیین نمود.

در مجموع از میان ۹ مؤلفه سرمایه اجتماعی مورد بررسی در این پژوهش ۷ مؤلفه با مشارکت سیاسی رابطه معناداری داشته و تنها دو مؤلفه پایگاه اقتصادی و اجتماعی، بخشش و روحیه داوطلبی با میزان مشارکت سیاسی شهروندان رابطه معناداری ندارد.

در نهایت این فرضیه ثابت می‌شود که میان سرمایه اجتماعی و میزان مشارکت سیاسی شهروندان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

با عنایت به یافته‌های این پژوهش و در یک نتیجه‌گیری کلی می‌توان گفت که: یکی از اساسی‌ترین مسائلی که جوامع امروزی با آن مواجه‌اند، مشارکت سیاسی است. مشارکت سیاسی از موضوعات مهم در جامعه تلقی شده و تحقیقات متعددی در این ارتباط به انجام رسیده است. مشارکت سیاسی تحت تأثیر عوامل مختلف قرار می‌گیرد. این عوامل عبارت‌اند از: عوامل فردی و اجتماعی. متغیرهایی که در این تحقیق تأثیر آن‌ها بر روی مشارکت سیاسی شهروندان تهرانی مورد بررسی قرار گرفته‌اند عبارت است از: اعتماد اجتماعی، پایگاه اجتماعی، اقتصادی، پیوندهای اجتماعی رسمی، پیوندهای اجتماعی غیررسمی، مشارکت مذهبی، تنوع معاشرت و دوستی - ها، بخشش و روحیه داوطلبی، عدالت و مشارکت مدنی، مشارکت و رهبری مدنی به‌عنوان



مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در نظر گرفته شده است. مشارکت سیاسی به‌عنوان یکی از شاخص‌های عمده توسعه تلقی می‌شود.

اعتماد اجتماعی یکی از ابعاد بسیار مهم زندگی بشری و مؤلفه برجسته سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهد؛ به‌طوری‌که بشر امروزی بدون اعتماد اجتماعی تا حد زیادی قادر به حیات اجتماعی نیست. بنابراین حیات اجتماعی زمانی بقا و دوام می‌یابد که حداقل یکی از پیش فرض‌های اساسی آن (اعتماد اجتماعی) برقرار باشد. در نتیجه پژوهش انجام شده می‌توان پیشنهاداتی به شرح ذیل ارائه داد.

- از آنجایی که اعتماد اجتماعی بر میزان مشارکت سیاسی مؤثر است، با ایجاد اعتماد در روابط رسمی و غیررسمی میان افراد از طریق آموزش مهارت‌ها ارتباطی، گسترش سلامت و صداقت در روابط خانوادگی، اجتماعی و کاری به‌ویژه ارتقای سطح اخلاقیات در میان کودکان و جوانان سطح اعتماد اجتماعی را در جامعه ارتقا داد.

- از آنجایی که مشارکت مذهبی با میزان مشارکت سیاسی افراد رابطه مثبت و معناداری دارد، درواقع با توسعه مشارکت مذهبی میان افراد جامعه می‌توان فرهنگ مشارکت را در افراد ارتقاء داد و زمینه مناسب مشارکت سیاسی را در جامعه فراهم آورد. این متغیر به جهت نزدیک بودن به اعتقادات دینی مردم می‌تواند در بسترسازی امر مشارکت در هر قشری از جامعه مؤثر باشد.

- از آنجایی که پیوند اجتماعی غیررسمی با میزان مشارکت سیاسی افراد رابطه مثبت و معناداری دارد، درواقع با معاشرت دوستانه و خانوادگی و تقویت ابعاد آن در افراد می‌تواند در بروز رفتارهایی که ناشی از مشارکت سیاسی است مؤثر باشد.

- از آنجایی که پیوند اجتماعی رسمی با میزان مشارکت سیاسی افراد رابطه مثبت و معناداری دارد، درواقع ایجاد بسترهای مناسب فعالیت نهادهای مختلف و عضویت در گروه‌های اجتماعی فرهنگی گوناگون و همچنین فعالیت احزاب در جامعه موجبات تقویت مشارکت سیاسی افراد را فراهم می‌آورد.

- از آنجایی که مشارکت و رهبری مدنی با میزان مشارکت سیاسی افراد رابطه مثبت و معناداری دارد، ایجاد فضای مناسب برای فعالیت افراد در فعالیتهای مختلف اجتماعی و مشارکت و رهبری در گروه‌های مختلف، تقویت مهارت‌های ارتباطی در فضاهای مختلف فرهنگی ورزشی، اجتماعی و سهولت مشارکت افراد و رهبری کردن این گروه‌ها می‌تواند در بروز رفتاری چون مشارکت سیاسی از سوی شهروندان مؤثر باشد.

- از آنجایی که عدالت و مشارکت مدنی با میزان مشارکت سیاسی افراد رابطه مثبت و معناداری دارد، ایجاد زمینه‌های مناسب جهت برقراری عدالت در جامعه، بعلاوه عدالت در مشارکت افراد خود می‌تواند در میزان مشارکت سیاسی شهروندان اثر مثبت داشته باشد.
- از آنجایی که عدالت و مشارکت مدنی با میزان مشارکت سیاسی افراد رابطه منفی و معناداری دارد، می‌توان با آموزش افراد در خصوص دقت و مهارت در برقراری روابط دوستانه و معاشرت با افرادی از تناسب اخلاقی و اجتماعی دارند می‌تواند در روند تصمیم‌گیری افراد نسبت به مشارکت سیاسی مؤثر باشد.
- می‌توانیم با ایجاد نوعی حس همیاری، مشارکت، اعتماد، پیوند و گوش کردن به نظرات و حرف‌های مردم و کنار گذاشتن مسائل صرفاً سیاسی و سهم خواهی در مدیریت، و نیز با فعال کردن کمیسیون‌های تخصصی در مدیریت شهری و استفاده از متخصصان دلسوز در مدیریت، باعث ارتقای سرمایه اجتماعی کشورمان و رشد و ثبات اقتصادی و سیاسی شویم تا هم از خطرات اساسی و زیربنایی مصون و محفوظ مانده و هم از قافله رشد و ترقی و پیشرفت عقب نمانیم.

## منابع

## فارسی

- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا. (۱۳۸۳)، توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران، تهران: نشر نی.
- الویری، محسن، (۱۳۸۴)، سند چشم‌انداز توسعه و سرمایه اجتماعی، ماهنامه فصل نو، مهر ماه.
- امام‌جمعه‌زاده، سید جواد و همکاران. (۱۳۸۹)، بررسی رابطه میان دین‌داری و مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه اصفهان، پژوهشنامه علوم سیاسی.
- آبرامسون، پل، (۱۳۸۳)، مشارکت سیاسی، ترجمه نسرین طباطبایی، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- بشریه، حسین، (۱۳۷۳)، جامعه‌شناسی سیاسی، تهران، نشر نی.
- پاتنام، روبرت، (۱۳۸۰)، دموکراسی و سنتهای مدنی، ترجمه: محمدتقی دلفروز، دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور، نشر شابک، تهران.
- تاجبخش کیان، (۱۳۸۵)، سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، تهران، نشر شیرازه، چاپ دوم.
- خداوردی، علی، (۱۳۸۴)، مشارکت عمومی و همبستگی ملی، تهران: انتشارات عقیدتی - سیاسی نیروی انتظامی.
- روشه، گی، (۱۳۷۵)، سازمان اجتماعی، ترجمه: هما زنجانی‌زاده، تهران، انتشارات سمت.
- -طلوعی اشلقی، (۱۳۸۵)، عباس، نگرش نوین به سرمایه اجتماعی؛ طبقه‌بندی و رویکردهای گوناگون، پژوهشنامه شهر.
- -فوکویاما فرانسیس، (۱۳۸۱)، پایان نظم (پایان سرمایه اجتماعی و حفظ آن)، ترجمه غلامعباس توسلی، تهران، انتشارات جامعه ایرانیان، چاپ سوم.
- فیروزآبادی، سید احمد، (۱۳۸۴)، سرمایه اجتماعی در ایران و راههای ارتقای آن، رساله دکتری، دانشگاه تهران.
- کاظمی پور، شهلا. (۱۳۸۱). نقش اجتماعی شدن سیاسی و عوامل اجتماعی کننده در زنان، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی مشارکت سیاسی زنان در کشورهای اسلامی تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی و مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری.

- کوزر، لوئیس. (۱۳۷۸)، روزنبرگ، برنارد، نظریه های بنیادی جامعه شناختی، تهران: نشر نی.
- کوزر، لیوئیس. (۱۳۷۲)، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی، چاپ چهارم.
- موحد، مجید. (۱۳۸۲)، مشارکت سیاسی زنان و عوامل اجتماعی موثر بر آن، تهران: مطالعات زنان، شماره ۳: ۳-۲۸.

#### انگلیسی

- Francis Fukuyama, (۱۹۹۷), "Economic Globalization and Culture", the Merrill Lynch Forum, [woml/forum/global.htm/](http://woml/forum/global.htm/) [www.ml.com](http://www.ml.com).
- Francis Fukuyama, (۱۹۹۹), "Social Capital and Civil Society" Generation Reform, Conference on Second external Pubs/ft/seminar/۱۹۹۹/reforms/fukuyama.htm/www.imf.org .
- Portes, Alejandro, (۱۹۹۸), "Social Capital, its origins and application in contemporary Sociology", Annual Review of Sociology ۲۰:۱-۲۴.